



# مسئولیت بین المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی؛ مبانی فقهی و چالش‌های سیاسی

مهسا فهیمی آزاد<sup>۱</sup>  
سهیل سهیلی نجف آباد<sup>۲</sup>  
محسن دیانت<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

## چکیده

حفظ هنجارها و قواعد حقوق بین الملل و تضمین تعهدات کنشگران در سطح بین‌المللی و تأمین حقوق شهروندی افراد در سطح داخلی، مستلزم پیش‌بینی نظام مسئولیت بین‌المللی برای کنشگران مورد اشاره است که به طور اختصار میتوان آنها را مشتمل بر دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی دانست. در این پژوهش، به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استناد به داده‌های کتابخانه‌ای، نخست به واکاوی مبانی فقهی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی پرداخته‌ایم و در گام بعدی، چالش‌های سیاسی پیش روی آن، مورد مطالعه و تبیین قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش موید آن است که با وجود عدم سابقه موضوع در فقه، از قواعد فقهی متعددی میتوان به مثابه مبنا در جهت توجیه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی بهره جست که قاعده نفی عسر و حرج، قاعده حرمت اعانه بر اثم و قاعده لاضرر از مهمترین آنهاست. با وجود این، چالش‌های سیاسی متعددی پیش روی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی وجود دارند. منفعت طلبی دولت‌ها، مداخلت آنها در ایجاد قواعد بین‌المللی و همچنین تأثیر ملاحظات سیاسی در تعیین قضات محاکم بین‌المللی از شاخص‌ترین چالش‌های سیاسی پیش گفته است.

**واژگان کلیدی:** چالش سیاسی، دولت، سازمان غیردولتی، مبانی فقهی، مسئولیت بین‌المللی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تخصصی رشته حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

mahsa.fahimi.azad@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. (نویسنده مسئول). Soheil.soheily@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. mdianat.pn@gmail.com

## مقدمه

بدون شک در هر نظام حقوقی ملی یا بین‌المللی، نقض یک تعهد الزام‌آور (صرف نظر از مرتکب آن) موجب مسئولیت است. در حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت از اهمیت و نقش ویژه‌ای برخوردار است؛ مسئولیت بین‌المللی دولت در عرصه داخلی، حقوق شهروندی افراد را تأمین و تضمین می‌نماید. منظور از حقوق شهروندی، مجموعه حقوقی است که به طور مشخص از جانب مقنن به شهروندان در یک جامعه معین اعطا می‌شود (مؤذن زادگان و محمد کوره پز، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۶). علاوه بر این، در عرصه خارجی نیز مسئولیت بین‌المللی دولت یکی از مکانیسم‌های تنظیم‌کننده حقوق بین‌الملل به شمار رفته و ناشی از این عقیده عمومی است که «قدرت بدون مسؤولیت وجود ندارد»؛ یعنی مسؤولیت در قبال صلاحیت و اختیاری است که دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل دارند و هر دولتی به صرف ارتکاب عمل خلاف هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup>، دارای مسؤولیت بین‌المللی می‌گردد. با وجود قدمت دولت‌ها به عنوان تابعان اولیه و اصلی حقوق بین‌الملل، ظهور بازیگران غیردولتی در در دهه‌های اخیر، موجد تغییراتی مهم در سطح حقوق بین‌الملل شده و چند و چون مسؤولیت بین‌المللی این کنشگران جدید در کنار دولت‌ها را به یکی از موضوعات مورد دغدغه حقوقدانان و صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، تبدیل نموده است؛ به عنوان نمونه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه<sup>۲</sup> در راستای کاهش رنج مصیبت دیدگان از نبرد مسلحانه و

<sup>۱</sup> به رغم سرشت اقتدارگرای نظام بین‌المللی، جامعه جهانی دارای قواعد و هنجارهایی است که انتظارات از رفتار مناسب با نظام اجتماعی را نشان می‌دهند. هنجارها نه تنها به طور مستقیم بر رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی تأثیر می‌گذارند، بلکه به شکل‌گیری نظام شناختی و هویتی کشورها و تصمیم‌گیرندگان کمک کرده و از این طریق به رفتار آنها شکل می‌دهند. هنجارها و قواعد بین‌المللی، مفاهیمی اجتماعی هستند که در تعامل بین بازیگران بین‌المللی به وجود می‌آیند و در صورت از دست رفتن زمینه‌ها اجتماعی‌شان، به مرور از بین می‌روند (فلسفی، ۱۳۸۰: ۷۰).

<sup>۲</sup> «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» یکی از زیرمجموعه‌های مهم حقوق بین‌الملل عمومی و شامل قواعدی است که مقصود آنها، نخست، صیانت از افرادی است که در زمان نبرد مسلحانه، در درگیری شرکت نکرده یا آن را ترک کرده‌اند و دوم، محدود نمودن متدها و ابزارهایی است که در جنگ استفاده می‌شود (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۹۰: ۹). بر این اساس، اصلی‌ترین نقش حقوق بین‌الملل بشردوستانه، محدود کردن حق طرفین جنگ در استفاده از سلاح‌های مخوف و تاکتیک‌های ناجوانمردانه‌ی جنگی برای شکست طرف مقابل است و اینکه هر نوع حمله به غیرنظامیان که رزمند به حساب نمی‌آیند، ممنوع بوده و جنگجویان هردو طرف، نباید غیرنظامیان طرف مقابل را آماج حملات مسلحانه خود قرار دهند. آنچه امروزه تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود، دوشاخه «حقوق لاهه» و «حقوق ژنو» می‌باشد که حقوق لاهه، قواعد و آداب جنگ و وظایف متخصصان را تبیین نموده و حقوق ژنو نیز از قربانیان جنگ حمایت می‌نماید (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۴۱) و نقض قواعد آنها، هم باعث ایجاد مسؤولیت کیفری و هم مسؤولیت غیرکیفری (مسئولیت مدنی، بین‌المللی و ...) می‌شود. مسؤولیت کیفری برای افرادی که قواعد مربوط به این شاخه از حقوق را نقض می‌کنند و مسؤولیت غیرکیفری برای دولت و گروه‌های شبه نظامی مسلحی که اقدامات ناقضان حقوق بشردوستانه، به آنها قابل انتساب است. امروزه شاهد موارد ارجاع متعدد به حقوق بین‌الملل بشردوستانه در گفتمان جهانی و عملکرد سیاست بین‌المللی هستیم (KINSELLA And MANTILLA, ) 2020: 649.

صیانت از قربانیان آن و همچنین حفظ شأن و کرامت بشر در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه، عمده‌ترین توجه خود را علاوه بر دولت‌ها، معطوف به تعهدات حقوقی بازیگران و سازمان‌های غیردولتی کرده است.<sup>۱</sup> (Greenwood, 2008: 11). بر مبنای آنچه گفته شد، در پژوهش پیش روی بر آن هستیم تا به منظور بررسی موضوع فوق‌الذکر از جوانب مختلف، با بکارگیری روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع و داده‌های کتابخانه‌ای، ضمن تبیین مبانی فقهی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در گام نخست، چالش‌های سیاسی پیش روی آن را نیز مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهیم. مهم‌ترین فرضیه‌های نگارندگان بر این مبناست که اولاً: برخی قواعد فقهی متعددی، قابلیت در نظر گرفته شدن به عنوان مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی را دارند؛ ثانیاً: مقوله مورد اشاره، مواجه با چالش‌های سیاسی متعدد است. طبیعی است به منظور روشن تر شده هرچه بیشتر ابعاد موضوع، پیش از ورود به مباحث اصلی، آشنایی مختصر با پیشینه و مبانی نظری پژوهش، مفید فایده باشد.

## پیشینه و مبانی نظری

### پیشینه

زمانی و همکاران (۱۴۰۱)، استناد به دفاع ضرورت به عنوان عامل رافع مسئولیت بین‌المللی دولت در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل با بررسی موردی سپر انسانی: «ضرورت» به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی دولت، تضمین‌کننده منافع اساسی دولت‌ها در شرایط خاص و استثنایی است و مطالعه تطبیقی ضرورت در دو نظام حقوق بین‌الملل و اسلام، نشان از برخی وجوه افتراق در کنار اشتراکات فراوان دارد. کاربرد این اصل در مخاصمات مسلحانه با عنوان «ضرورت نظامی» جهت نقض مصونیت غیرنظامیان سپر واقع شده، امری چالش‌برانگیز است؛ چرا که سپر انسانی در حقوق بین‌الملل و اسلام ممنوع بوده و جرم‌انگاری شده است. بنابراین سؤال این پژوهش این است که «اصل ضرورت، چه ماهیت و آثاری در حقوق بین‌الملل و فقه امامیه دارد و نحوه رفتار طرفین مخاصمه در قبال افراد و اموال غیر نظامی سپر واقع شده چگونه باید باشد؟» این مقاله با روش تحقیق کیفی و با استفاده از روش‌های تفسیر حقوقی از آیات و روایات و استفاده از نظرات فقهای اسلام و مطالعه تاریخی سیره نبی اکرم در جنگ‌ها صورت گرفته است. نویسندگان با بررسی

<sup>۱</sup> با وجود این، به نظر میرسد که موازین حقوق بشردوستانه هنوز با وضعیت جدید، کاملاً سازگار نشده‌اند: (Blázquez Rodríguez, ) 2018

اسناد و منابع فقهی به این نتیجه رسیده‌اند که اصل ضرورت در هر دو نظام حقوقی، ماهیتی استثنایی دارد و صرفاً در مواردی که «منفعت اساسی» دولت در خطر باشد، مجاز دانسته شده است. بنابراین با وجود ممنوعیت هرگونه آسیب به سپر انسانی، در صورت اقتضای ضرورت و به شرط رعایت اقدامات احتیاطی، امکان حمله به اهداف نظامی همچنان وجود دارد.

حدادی و ستایش‌پور (۱۴۰۰)، دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی نظام مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی: مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، سخن از مسئولیت در ارتباط با عمل دیگری به میان آورده‌اند که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد می‌شود؛ لیکن از آنجا که موارد حصری داخل در مسئولیت اشتقاقی روشن نشده، دامنه اعمال آن نیز مشخص نیست. این پژوهش با موشکافی مواد مربوطه در هر دو سند یادشده، به مصادیق مسئولیت اشتقاقی پرداخته تا بشود به دامنه اعمال آن پی برد. لذا از رهگذر مطالعه تطبیقی مواد مربوط در این دو طرح، به این کار پرداخته و در نهایت به این نتیجه رهنمون گردیده است که مسئولیت اشتقاقی چه در خصوص دولت‌ها و چه در مورد سازمان‌های بین‌المللی، شامل هر چهار حالت «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل»، «اجبار» و «گریز از تعهد بین‌المللی» است. به رغم آنکه گریز از تعهد بین‌المللی در مجموعه مواد ۲۰۰۱ راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیامده است، اما در مورد دولت‌ها هم قابل اعمال است. مسئولیت اشتقاقی، در کنار اساس بنیادین حقوق مسئولیت بین‌المللی یعنی مسئولیت مستقل، می‌تواند به عدالت در اعمال مسئولیت بینجامد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۹)، توسعه‌ی هنجاری حقوق بین‌الملل بشر از طریق نظارت قانونی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی: در این مقاله، نویسندگان با بیان اینکه سازمان‌های غیردولتی ناظر بر حقوق بشر، طیف وسیعی از اقدامات نظارتی را انجام می‌دهند؛ ضمن جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با امور کاری خود از قربانیان نیز حمایت کرده و با هدایت افکار عمومی، زمینه را برای تعامل یا تقابل با دولت‌ها و سایر کنشگران ناقض حقوق بشر فراهم می‌آورند؛ برنامه‌هایی را نیز برای آموزش حقوق بشر تهیه می‌کنند؛ آن‌ها همچنین حدودی جایگاه خود را در سیستم قضایی بین‌المللی تثبیت کرده و قربانیان ناقض را در جریان دادرسی‌ها، به عناوین مختلف چه دوست دادگاه و یا به عنوان خواهان، همراهی می‌کنند، در ادامه بیان میدارند که سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در سال‌های گذشته، نقشی بس مهم در تهیه‌ی طرح‌های مربوط به اسناد بین‌المللی حقوق بشر ایفا کرده‌اند و دولت‌ها را برای تصویب این اسناد که خود آنها نیز مبدع و تهیه‌کننده‌ی هستند، ترغیب کرده‌اند. نویسندگان این مقاله، رویکردی توصیفی و پژوهشی نسبت به فعالیت‌های

سازمانهای غیردولتی بین المللی بر توسعه‌ی هنجاری حقوق بین الملل بشر دارند و بر این اعتقادند که بسیاری از افرادی که در این مورد صحبت می‌کنند و یا حتی دستی در آتش نویسندگی دارند، این پر پرواز را بسیار مطلوب دیده و از آن بعنوان موفقیت یاد می‌کنند.

### الف) مسئولیت بین المللی دولت

مسئولیت در لغت به معنای مورد مؤاخذه، بازخواست، پرسش و سؤال واقع شدن است (عمید، ۱۳۹۹ : ۹۴۸) و در حقوق بین الملل، یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل است؛ زیرا اصولاً هرگونه تعهد حقوقی بین المللی که از سوی تابعان آن نقض شود، موجب مسئولیت شده و موضوع آن را پیش می‌آورد (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۴۶۷). در تعریف حقوقی دولت می‌توان گفت که مجموعه‌ای است از مردم که در قلمرو معین و محدود جغرافیایی و تحت حاکمیت خاصی، سکونت دارند؛ در این راستا و از دیدگاه حقوق بین الملل، کشور یا دولت از اجتماع دائمی و منظم گروهی از افراد بشر که در سرزمین معین و مشخصی، به طور ثابت سکونت گزیده و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند، تشکیل شده است (طیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۱).

صرف نظر از مفهوم دولت، بایستی توجه داشت که داشتن حق، همواره با تکلیف همراه است و دولت‌هایی که دارای حق اعمال قدرت در عرصه بین المللی هستند، باید پاسخگوی سوءاستفاده از این حق خود نیز باشند و این همان است که مسئولیت بین المللی دولت خوانده می‌شود (هنجری و فرهادنیا، ۱۳۹۷ : ۸۶). مسئولیت دولت، اصلی فراگیر در حقوق بین الملل و از قدمتی به اندازه آن برخوردار است. مسئولیت دولت برای اقتدار و اثربخشی قوانین بین المللی ضروری است. بدون هرگونه مسئولیت حقوقی، تعهدات ایجاد شده توسط حقوق بین الملل، مورد احترام دولت‌ها قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، مسئولیت دولت، ریشه در ماهیت نظام حقوقی بین الملل دارد که به دولت‌ها به عنوان ابزاری برای تدوین و اجرای قوانین خود متکی است و از دو اصل همزاد «حاکمیت دولت» و «برابری دولت‌ها» ناشی می‌شود (میرموسوی، ۱۴۰۰: ۲۸).

### ب) مسئولیت بین المللی سازمان غیردولتی

<sup>۱</sup> در حقوق بین الملل، تعهدهایی که دولت بر دوش دارد از یک سنخ نیستند، از این رو بحث از سرشت یا ماهیت تعهدات دولت اهمیت دارد. تعهدهای دولت از نظر مطلق و مشروط بودن بر دو گونه‌اند: گونه نخست که با عنوان تعهدهای عام از آنها یاد می‌شود، به اعتبار اهمیت آنها به همه دولت‌ها مربوط می‌شوند. دومین گونه اما بر اصل تقابل و تبادل استوار است و پایبندی به آن به پایبندی طرف دیگر به شرایط بستگی دارد و مشروط است (میرموسوی، ۱۴۰۰: ۳۱).

هرچند دولت‌ها همچنان در قامت تابع اولیه و اصلی حقوق بین‌الملل، در عرصه‌های مختلف هنجارسازی و تبعیت از قواعد و اصول حقوق بین‌الملل خودنمایی می‌کنند، لیکن ظهور بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی و مشارکت روزافزون آنها در عرصه‌های مختلف (Berman, 2021: 227) منشأ تحولاتی جدی در سطوح مختلف حقوق بین‌الملل شده است (صالح مجد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۶). براساس قطعنامه (E/1996/31) شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، هر سازمانی که ارگان‌های دولتی و یا موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی تشکیل نداده باشند، غیردولتی محسوب می‌گردد (مختاری، ۱۳۹۶: ۳۴). به موازات توسعه کمی سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌المللی (قاسمی و تسخیری، ۱۳۹۶: ۲۱۶)، سازمان‌های مزبور از منظر کیفی نیز نقش بسیار مهمی را در کنار سایر بازیگران این عرصه ایفا می‌کنند.

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، پس از نزدیک به یک سده مطالعه و کار، موفق به تهیه دو طرح درخصوص مسئولیت بین‌المللی شد که طرح نخست (۲۰۰۱)، صرفاً به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پرداخته و طرح دوم (۲۰۱۱) نیز اگرچه بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نظر دوخته اما از اقدامات دولت‌ها در قبال این سازمان‌ها، غافل نمانده است (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۱)؛ بنابراین به نظر می‌رسد به موازات فقدان وجود کنوانسیون مستقل در باب مسئولیت بین‌المللی، شناسایی مسئولیت برای سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌المللی، با کاستی‌ها و چالش‌های فراوان مواجه باشد که در ادامه مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

## ۱. مبانی فقهی مسئولیت بین‌المللی دولت و سازمان‌های غیردولتی

### ۱-۱- قاعده نفی عسر و حرج

واژه «عسر» در لغت نقطه مقابل «یسر» و به معنای تنگنا، شدت و دشواری آمده است. «حرج» نیز در اصل به معنای جمع شدن و ضیق و تنگی ناشی از آن آمده و سپس به مناسبت، به معنی تنگنا و گناه به کار رفته است (توتونچیان و خزایی، ۱۳۹۹: ۴). براساس قاعده نفی عسر و حرج<sup>۱</sup>،

<sup>۱</sup> برای اثبات قاعده نفی عسر و حرج، معمولاً به دو آیه اشاره میشود: (الف) آیه ۷۸ سوره مبارکه حج: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (و در راه خدا چنان که حق جهاد (در راه) اوست جهاد کنید. اوست که شما را (برای خود) برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است). این آیه از مهمترین ادله اثبات قاعده است، بدین معنا که خداوند بر مؤمنان منت نهاد و هرگونه حرجی را در دین از آنان برداشت، خواه حرج در اصل حکم باشد یا حرجی که به طور اتفاقی بر آن عارض گردد؛ چرا که شریعت اسلام، سهل و آسان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۹: ۲۱۱). (ب) آیه ۴ سوره مبارکه مائده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز بپاخاستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوئید و سر

هرگونه تنگنایی در مسائل فردی و روابط اجتماعی در همهٔ عرصه‌ها (از جمله در عرصهٔ بین‌المللی)، رفع شدنی است.

در خصوص ارتباط قاعده مزبور با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، بایستی گفت از آنجا که نقض تعهد توسط کنشگران مزبور، ایجاد کننده تزلزل و حس عدم اعتماد در روابط و مناسبات بین‌المللی است، لذا در صورت عدم پیش‌بینی ساز و کارهای قانونی در راستای مسئول شناختن کنشگران مزبور، جامعه بین‌المللی دچار عسر و حرج خواهد گردید.

## ۲-۱- قاعده حرمت اعانه بر اثم

حرمت اعانه بر اثم معادل فقهی معاونت در ارتکاب جرم در حقوق کیفری است و حالتی است که فرد یا افرادی، شخص مرتکب بزه را در ارتکاب عنصر مادی، یاری و معاونت کنند. این قاعده علاوه بر حوزه عبادات، معاملات و حتی جزئیات را هم شامل شده (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴: ۱۳۶) و با توجه به مویداتی که از قرآن، روایات و دلیل عقل دارد؛ غیرقابل خدشه می‌باشد (همان: ۱۵۶). صرف نظر از ادله وارده بر قاعده فوق<sup>۱</sup>، در مورد ارتباط آن با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، بایستی گفت هرگونه تعاون و یاری رساندن بر ارتکاب اثم (فعل موجب ضرر در عرصه بین‌المللی) چه از جانب دولت‌ها و چه از جانب سازمان‌های غیردولتی مشمول حکم

و پاها را تا مفصل (با برآمدگی پشت پا) مسح کنید و اگر جنب باشید خود را بشوئید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما از محل پستی آمده (قضای حاجت کرده) یا با زنان تماس گرفته باشید (آمیزش جنسی کرده اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید با خاک پاک تیمم کنید و از آن بر صورت (پیشانی) و دستها بکشید، خداوند نمیخواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه میخواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را به جا آورید). بر اساس این آیه، خداوند نمیخواهد حکمی را که موجب سختی و حرج باشد، جعل و تشریح نماید، خواه اصل حکم حرجی باشد یا برخی از مصادیق آن به صورت اتفاقی (توتونچیان و خزایی، ۱۳۹۹: ۴-۵).

<sup>۱</sup> مهم‌ترین آیه‌ای که در قرآن کریم مرتبط با قاعده می‌توان یافت آیه ۲ سوره مائده «تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان : بر نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و بر گناه و ظلم به هم یاری نرسانید» میباشد. برخی از فقها (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق: ۴۴۴) از این آیه حرمت اعانت بر اثم را استنباط نموده‌اند، با این استدلال که در آیه مذکور از تعاون بر اثم نهی شده و نهی دلالت بر حرمت دارد؛ هرچند گروهی دیگر (منتظری، ۱۴۱۵ق: ۲۲۷) این آیه را برای این مقصود کافی ندانسته‌اند؛ به این دلیل که نهی از اعانه بر اثم در مقابل امر بر اعانه بر تقوی آمده است و چون امر به تقوی مستحب است، از این رو وجود این احتمال، مانع از اثبات حکم حرمت برای اعانه خواهد بود. ضعف دلالتی آیه فوق، با روایات معتبر و دلیل عقلی جبران میشود. فقهای امامیه بر حرمت اعانت بر اثم اجماع دارند؛ هرچند با وجود آیه و روایت و دلیل عقل، اجماع حاصل، مدرکی بوده و اجماع مدرکی دلیل مستقل محسوب نمی‌شود.

حرمت بوده و در نتیجه به مقتضای قاعده، پیش‌بینی ساز و کارهای تنبیهی و جبرانی (جبران خسارت)<sup>۱</sup> بر آن قابل توجیه خواهد بود.

### ۳-۱- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر، یکی از مبانی عام مسئولیت به شمار می‌رود. اهمیت آن در نظام حقوقی اسلام ناشناخته نیست. این قاعده با استناد عقلی و نقلی در حقوق اسلامی، کاربرد گسترده‌تر از مسئولیت مدنی دارد، فقیهان مسلمان درباره آن از جهات گوناگون بحث کرده‌اند. مفاد عبارت «لاضرر و لاضرار فی الإسلام»<sup>۲</sup> نزد فقها در معانی مختلفی همچون نفی حکم ضرری (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۸۲)، نفی موضوع ضرری (آخوند خراسانی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ۳۸۱)، نفی ضرر غیر متدارک (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۴۶۰-۴۶۱)، نهی از ضرر (شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۴۰۷ق: ۲۸) و حکم حکومتی (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۱۲) استعمال گردیده است.

در اغلب نظام‌های حقوقی معاصر، این قاعده تحت عنوان «عدم جواز سوءاستفاده از حق» مطرح شده (ساریخانی و میرزایی منفرد، ۱۳۹۶: ۱۱۰) و اهمیت آن به اندازه‌ای است که برخی (مطهری، ۱۴۰۰: ۳۷) از این قاعده به عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفته‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند و آن را از قواعد حاکمی دانسته‌اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است.

قاعده لاضرر این خصوصیت را دارد که بر اساس آن می‌توان برای اعمال مدیریت به طور کلی، مبادرت به تخلف‌انگاری و تعیین مسئولیت نمود؛ بنابراین یکی دیگر از مبانی فقهی به منظور تعیین مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، همین قاعده است.

## ۲. چالش‌های سیاسی مسئولیت بین‌المللی دولت و سازمان‌های غیردولتی

<sup>۱</sup> در تداول فارسی‌زبانان، واژه خسارت در دو معنای «خسارت زدن» و «خسارت گرفتن» به کار می‌رود؛ همین تمایز در کلام حقوقدانان نیز قابل مشاهده است؛ چنانچه برخی (اسماعیلی، ۱۳۷۷، ۴۵) خسارت را خلاف نفع و سود، نقص در حق و عده‌ای دیگر آن را ضد نفع دانسته‌اند. به طور کلی، هر جا که نقص در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید، ضرری به بار آمده است.

<sup>۲</sup> عبارت‌های قاعده از یک حدیث نبوی به عاریه گرفته شده است. در این روایت آمده است که سمره بن جندب، درخت خرمايي در خانه یکی از انصار داشت و به بهانه سرکشی به درخت خود، برای صاحبخانه ایجاد مزاحمت و ضرر میکرد. مرد انصاری نزد پیامبر شکایت برد و پیامبر کوشش زیادی کرد تا با مذاکره و دادن عوض، درخت خرما را برای شاکی بخرد اما سمره لجبازی می نمود تا اینکه پیامبر دستور داد درخت را بکنند و نزد صاحبش ببندازند و فرمودند: «فانه لا ضرر و لاضرار فی الإسلام» (کلینی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۹۲).



میان حقوق و سیاست، به واسطه تعامل متقابل، پیوند ذاتی وجود دارد. حقوق در جامعه‌ای انسانی اجرا می‌شود که از طریق یک رژیم سیاسی، مجال تقنین، اجرا و حل اختلاف می‌یابد و سیاست از طریق حقوق، فرامین خود را در قبال فرمانبران در سطح جامعه به معرض اجرا درمی‌آورد. در سطح جامعه بین‌المللی - که حقوق خاص را در ساختارهای روابط بین‌الملل، تنظیم کرده و تحت قاعده درمی‌آورد - سیاست زدگی و اعمال فشارهای گوناگون، در قاعده‌سازی، اجرای قواعد حقوقی بین‌المللی و حتی در پیشگاه محاکم بین‌المللی، تجلی یافته است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی مسئولیت سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌المللی، تصمیمات و تدابیر برخاسته از ملاحظات سیاسی است که خود، در اشکال مختلف، به منصفه ظهور می‌رسد.

## ۱-۲ - منفعت طلبی دولت‌ها

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی پیش‌روی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، منفعت‌طلبی برخی دولت‌هاست که در تباری و هماهنگی با دیگر بازیگران عرصه بین‌الملل، برخی مقررات بین‌المللی (از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) را در تضاد با منافع خویش می‌دانند (علیزاده جواهری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۱).

از وضعیت فوق، تحت عنوان «خاص‌گرایی» نیز یاد شده که عبارت از وضعیتی است که در آن، یک موجودیت فعال در صحنه حقوق بین‌الملل برای پیاده‌سازی ارزش‌ها و پیگیری اهداف خود به صورت مکرر و هدفمند، اقداماتی را برخلاف قواعد عمومی حقوق بین‌الملل انجام دهد (Bradford And Posner, 2011: 7).

وضعیت مزبور، باعث گردیده که فی‌المثل، دیوان کیفری بین‌المللی نتواند در انجام رسالت‌های خویش از جمله جلوگیری از بی‌کیفر ماندن متخلفین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نفوذ در نظام‌های داخلی جهت ایجاد تغییر و تعدیل در آنها و تقویت ظرفیت سیستم‌های حقوقی ملی به منظور مقابله با چنین تخلفاتی، مؤثر عمل نماید.

## ۲-۲ - مدخلیت اراده دولت‌ها در ایجاد قواعد بین‌المللی

از دیگر چالش‌های سیاسی در این رابطه، مدخلیت اراده دولت‌ها در ایجاد قواعد بین‌المللی است؛ چرا که در حقوق بین‌الملل، این دولت‌ها هستند که با اراده خود، قانونی بودن یک امر را تصویب و تأیید می‌کنند و از آنجا که بحث از جامعه دموکراتیک در حقوق بین‌الملل، همپای حقوق داخلی قدرت نیافت، چاره‌ای جز این نبود که با طراحی سازوکارهایی رسمی، عدالت را در حقوق بین‌الملل

تأمین کنند. به این ترتیب فرمالیسم حقوقی (صورت‌گرایی) در حقوق بین‌الملل، قدرت گرفت و سازوکارهایی که قرار بود عدالت را لحاظ کنند، مخالف آن عمل کردند. روند یاد شده منجر شد تا مشروعیت ساز و کارهای حقوقی زیر سؤال رود. توضیح مطلب اینکه دلیل تبعیت از قانون و حقوق، چیزی جز مشروعیت نیست؛ در حالی که مبانی مشروعیت حقوق بین‌الملل همانند حراست از منافع اساسی مردمان (حقوق بشر) و منافع عمومی آنها در بسیاری از سازوکارهای رسمی یاد شده لحاظ نگردیده است (تسخیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲). موضوعی که از آن، با عنوان «بحران مشروعیت» حقوق بین‌الملل نیز یاد می‌شود. لذا طبیعی است که چنانچه ایجاد و بسط یک قاعده در حقوق بین‌الملل در ارتباط با لزوم مسئول شناخته شدن یک دولت یا سازمان غیردولتی، با منافع یک یا چند دولت (که در تباری و یا حداقل همکاری نزدیک با کنشگران مزبور هستند)، در تعارض و یا تزامن باشد، قطعاً با ایجاد مانع یا محدودیت در اجرا از جانب دول مزبور، مواجه خواهد گردید.

## ۲-۳- تأثیر ملاحظات سیاسی در تعیین قضات محاکم بین‌المللی

از دیگر چالش‌های سیاسی پیش‌روی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، مدخلیت ملاحظات سیاسی در تعیین قضات برخی محاکم بین‌المللی است؛ بدین معنی که ساز و کار تعیین قضات در برخی محاکم بین‌المللی، نافی استقلال<sup>۱</sup> و بی‌طرفی<sup>۲</sup> آنهاست؛ به عنوان نمونه، انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری از میان نامزدهای معرفی شده توسط دو رکن مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد صورت می‌گیرد. دخالت مجمع عمومی در این فرآیند، بیانگر

<sup>۱</sup> مفهوم استقلال قضایی در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی ذکر شده است که از جمله آنها می‌توان به ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حفظ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، بند ۲ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل (۱۹۸۱)، بند ۱ اصول اساسی سازمان ملل در خصوص استقلال قضایی (۱۹۸۵)، پیش‌نویس اعلامیه جهانی استقلال قضات (۱۹۸۹)، مادتهای ۱۱ و ۱۲ اساسنامه دادگاه رواندا (۱۹۹۴)، بندهای ۱ و ۴ اعلامیه پکن در خصوص اصول استقلال قضایی در منطقه لائوسیا (۱۹۹۷)، و مادتهای ۱ و ۲ منشور جهانی قضات (۱۹۹۹) اشاره نمود.

<sup>۲</sup> مادتهای ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۲۶ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکلیف‌های انسان (۱۹۴۸)، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حفظ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، بند نخست ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل (۱۹۸۱)، بند ۱۳ منشور اروپایی قضات (۱۹۹۷)، بند نخست ماده ۶۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸)، بندهای ۴ و ۵ از قسمت (الف) اصول و رهنمودهایی در مورد دادرسی منصفانه و معاضدت حقوقی در آفریقا (۲۰۰۳)، ماده ۱۳ منشور عربی حقوق بشر (۲۰۰۴) و بند ۳ اعلامیه سووا در مورد اصول استقلال قضایی و دسترسی به دادگستری (۲۰۰۴) از مهمترین مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با اصل بی‌طرفی در دادرسی می‌باشند.

اعمال اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها و نقش شورای امنیت، نمایانگر اعمال اراده و اختیار قدرت‌های بزرگ است (شایگان و ظاهری، ۱۴۰۱: ۶۱۹).

توضیح مطلب اینکه دخالت شورای امنیت در انتخاب قضات دیوان، موجب عدم توازن در ترکیب آن می‌شود. بدین صورت که دولت‌های عضو دائم شورای امنیت که در نظام ملل متحد، جایگاه و قدرت منحصر به فردی دارند، حضور نمایندگان آنها به عنوان قاضی در دیوان، موجب تسری جایگاه ویژه آنها به دیوان نیز می‌شود. نتیجه چنین حضوری، آن است که همواره قضاتی از ملیت اعضای دائم شورای امنیت در دیوان حضور دارند؛ بنابراین مشارکت شورای امنیت در انتخاب قضات دیوان، هیچ اثر مثبتی بر تضمین بی‌طرفی قضات و استقلال دیوان ندارد (همان: ۶۳۶). طبیعی است در چنین وضعیتی، چنانچه یک دولت عضو دائم شورای امنیت، دارای ملاحظه و یا نفع مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت یکی از دولت‌ها یا سازمان‌های غیردولتی در یک منطقه جغرافیایی خاص باشد، این امر در دیدگاه و رویکرد عضو پیشنهادی منصوب آن دولت در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اثرگذار خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه که در این پژوهش گفته شد، می‌توان به نتایج ذیل، نائل گردید.

علیرغم عدم سابقه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به شکل امروزی در منابع فقهی، قواعد فقهی متعددی (از جمله قاعده نفی عسر و حرج، قاعده حرمت اعانه بر اثم و قاعده لاضرر) قابلیت در نظر گرفته شدن به عنوان مبنای آن را دارند.

در خصوص قاعده نفی عسر و حرج، چون نقض تعهدات دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، موجب تزلزل و حس عدم اعتماد در روابط و مناسبات بین‌المللی است، لذا در صورت عدم مسئول شناختن کنشگران مزبور، جامعه بین‌المللی دچار عسر و حرج خواهد گردید.

در ارتباط با قاعده حرمت اعانه بر اثم، هرگونه همکاری و مساعدت در ارتکاب فعل موجب ضرر در عرصه بین‌المللی (چه از جانب دولت‌ها و چه از جانب سازمان‌های غیردولتی) مشمول حکم حرمت مزبور بوده و مستلزم پیش‌بینی ساز و کارهای تنبیهی و جبرانی است.

در مورد قاعده لاضرر نیز با توجه به قابلیت آن در جهت اعمال مدیریت (و به تبع آن تخلّف‌انگاری و تعیین مسئولیت)، این نکته مسلم است که قاعده مزبور نیز مبنایی به منظور تعیین مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی است.

با وجود آنچه گفته شد، چالش‌های سیاسی متعددی پیش روی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی وجود دارند. منفعت‌طلبی دولت‌ها، مداخلت آنها در ایجاد قواعد بین‌المللی و همچنین تأثیر ملاحظات سیاسی در تعیین قضات محاکم بین‌المللی از شاخص‌ترین چالش‌های سیاسی است.

منفعت‌طلبی دولت‌ها، ضمن ایجاد وضعیت «خاص‌گرایی»، موجب عدم انجام صحیح وظایف توسط نهادهای بین‌المللی و در نتیجه بی‌کیفرماندن بسیاری از متخلفان و ناقضان موازین و هنجارهای حقوق بین‌الملل گردیده است.

مداخلت اراده دولت‌ها در ایجاد قواعد بین‌المللی، ضمن شکل دادن به فرمالیسم حقوقی (صورت‌گرایی) در حقوق بین‌الملل، منجر به زیر سؤال رفتن مشروعیت ساز و کارهای آن گردیده است؛ طبیعی است که در چنین شرایطی، ساز و کارها و ضمانت‌اجراهای موجود در راستای مسئول شناختن دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی نیز از منظر تابعان آن، فاقد مشروعیت بوده و عملاً به قواعدی متروک مبدل خواهد گردید.

تأثیر ملاحظات سیاسی در تعیین قضات محاکم بین‌المللی نیز ضمن نقض صریح استقلال و بی‌طرفی قضایی، مشروعیت ساز و کارهای قضایی رسیدگی‌کننده به تخلفات و جرائم دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی را زیر سؤال برده است.

## منابع

### الف) منبع فارسی

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، «کفایه الاصول»، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت لأحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۲. اسماعیلی، محسن، «نظریه خسارت: بررسی لزوم جبران خسارتهای معنوی و مسئولیت ناشی از تفویض منافع و فرصت‌ها از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی»، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۳. امام خمینی (الموسوی الخمینی)، سید روح‌الله، «تهذیب الاصول»، جلد سوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین، «فرائد الاصول»، جلد دوم، چاپ دوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.

۵. تسخیری، محمدصالح و موسی زاده، رضا و عزیززاده، مسعود، «خاص‌گرایی در حقوق بین‌الملل و سیاست بایسته جمهوری اسلامی ایران درباره آن»، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۲۵)، ۱۳۹۷.
۶. توتونچیان، مهری و خزائی، احمدرضا، «کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد از منظر قرآن»، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۹۹.
۷. حدادی، مهدی و ستایش‌پور، محمد، «تسهیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل دولت دیگر یا سازمان بین‌المللی»، فصلنامه دولت‌پژوهی، سال ۴، شماره ۴۱، ۱۳۹۷.
۸. شایگان، فریده و ظاهری، داوود، «نقش شیوه انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین استقلال قضایی آن»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۲، ۱۴۰۱.
۹. شیخ‌الاسلامی، محمدعلی، «واکاوی معنا و مفهوم اعانه بر ائمه در آرای فقهای امامیه»، فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال ۴۷، شماره پیاپی ۱۰۱، ۱۳۹۴.
۱۰. صالح مجد حسن و زمانی، سید قاسم و عزیززاده، مسعود، «تأثیر سازمان ملل متحد در توسعه جایگاه حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۹۱، ۱۳۹۹.
۱۱. طیبی، سبحان و زمان‌پور، بهاره و طیبی، سجاد، «رویکرد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نسبت به نقض هنجارهای حقوقی و عدم پیروی معاهداتی»، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۲، شماره ۵، ۱۳۹۸.
۱۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق بین‌الملل عمومی ۱»، چاپ هفتاد و هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد بیست و نهم، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۴. عزیززاده جواهری، سید میلاد و شیخ‌الاسلامی، عباس و کوشا، جعفر، «چالش‌ها و موانع جرم‌انگاری و کیفر جنایات ناقض حقوق بشردوستانه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، ۱۴۰۱.
۱۵. عمید، حسن، «فرهنگ فارسی عمید»، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۹.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد، «تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحدود)»، چاپ دوم، قم، مرکز فقه الائمه الأطهار علیهم السلام، ۱۴۲۲.

۱۷. فلسفی، هدایت‌الله، «حق، صلح و منزلت انسانی؛ تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۱۹، شماره های ۲۶-۲۷، ۱۳۸۰.
۱۸. قاسمی، غلامعلی و تسخیری، محمدصالح، «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۵، ۱۳۹۶.
۱۹. قربان‌نیا، ناصر، «حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، «الکافی»، چاپ چهارم، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۴۱۵ق.
۲۱. کمیته ملی حقوق بشردوستانه، «حقوق بین‌الملل بشردوستانه (پاسخ به سؤالات شما)»، ترجمه هاجر سیاه رستمی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲۲. مؤذن زادگان، حسنعلی و محمد کوره یز، حسین، ضمانت‌های اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات پلیسی، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره ۱۳، شماره ۱۱ (پیاپی ۱۱)، ۱۳۹۵.
۲۳. مختاری، سید فخرالدین، «التزام نهادهای غیردولتی به رعایت موازین حقوق بشردوستانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۶.
۲۴. مطهری، مرتضی، «نظام حقوق زن در اسلام»، چاپ هشتم و دوم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۴۰۰.
۲۵. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، «الدراسات فی مکاسب المحرمه»، چاپ سوم، قم، انتشارات تفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۶. موسوی بجنوردی، سید حسن، «القواعد الفقهیه»، جلد اول، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳ق.
۲۷. میرموسوی، سید علی، «تعهد و مسئولیت‌های دولت در برابر حقوق بشر»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۱)، ۱۴۰۰.
۲۸. هنجنی، سید علی و فرهادنیا، سعید، «بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های تروریستی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۸۴، ۱۳۹۷.

29. Berman, Ayelet, “Between Participation and Capture in International Rule-Making: The WHO Framework of Engagement with Non-State Actors”, *European Journal of International Law*, Volume 32, Issue 1, 2021.
30. Blázquez Rodríguez, Paloma, Chapter 19 Does an Armed Group have an Obligation to Provide Reparations to Its Victims? Construing an Obligation to Provide Reparations for Violations of International Humanitarian Law, 2018, In: *Non-State Actors and International Obligations*.
31. Bradford, A. & Posner, E.A., “Universal Exceptionalism in International Law”, *Harvard International Law Journal*, 52 (1), 2011.
32. Greenwood, Christopher, *Historical Development and Legal Basis*, in: *The Handbook of International Humanitarian Law*, Dieter Felck, 2 nd ed, Oxford University Press, 2008.
33. Kinsella Helen.M and Mantilla, Giovanni, *Contestation before Compliance: History, Politics, and Power in International Humanitarian Law*, *International Studies Quarterly*, Volume 64, Issue 3, Pages 649–656, 2020.